

# ابر پاییزی

تأویل پیشگویی‌های نوستر آداموس

و

روایات دینی

تألیف: دکتر رسول نیمروزی

سرشناسه	نیمروزی، رسول، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	ابر پاییزی: تأویل و تفسیر پیش‌گویی‌های نوستر آداموس درباره آخرالزمان / تألیف رسول نیمروزی.
مشخصات نشر	تهران: هلال، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۲۲۸ ص.
شابک	۲۷۰۰۰ ریال: ۳-۵۲-۶۹۳۸-۶۹۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیر نویس.
عنوان دیگر	تأویل و تفسیر پیش‌گویی‌های نوستر آداموس درباره آخرالزمان.
موضوع	نوستر آداموس، ۱۵۰۳-۱۵۶۶ م. Nostradamus.
موضوع	مستعار -- پیشگویی‌ها -- نقد و تفسیر.
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
موضوع	اسلام -- پیشگویی‌ها.
موضوع	پیشگویی‌ها
رده بندی کنگره	BF ۱۸۱۵/۹۲۲۶۲
رده بندی دیویی	۱۳۳/۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۵۴۶۰۶

## ابر پاییزی

(تأویل پیشگویی‌های نوستر آداموس و روایات دینی)

نویسنده: دکتر رسول نیمروزی

ناشر: هلال

سال و محل نشر: تهران، ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۳۰۰۰

شابک: ۶-۵۲-۶۹۳۸-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۷۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۱۶۷۱۶۶۹۵۶

## سخن ناشر

نام «نوستر آداموس» و پیش‌گویی‌هایش در ایران شناخته شده است؛ به ویژه برای کسانی که مباحث «موعودگرایانه» را دنبال می‌کنند. رویکرد غرب مسیحی به موضوع آخرالزمان و گفت‌وگو از «آرماگدون» در طی سی سال اخیر بیش از هر زمان این نام و آثار هنری ساخته شده براساس پیش‌گویی‌های نوستر آداموس را بر سر زبان‌ها انداخته است. سوء برداشت‌ها از سویی و سوءاستفاده‌ها از دیگر سو مجال بررسی دقیق این اثر را فراهم نیاورده است.

. اثر حاضر که حاصل مطالعات جدی استاد و پژوهشگر ارجمند جناب آقای «دکتر رسول نیمروزی» است وجهی متفاوت و منصفانه را از این اثر بارز نموده و فراروی مسلمانان و شیعیان قرار می‌دهد.

تفسیر و تأویل پیش‌گویی‌ها براساس روش تأویل هرمنیوتیکی بیش از هر زمان پرده از واقعیات و مفاهیم مورد نظر نوستر آداموس برمی‌دارد و قرابت آن برداشت‌ها را با دریافت‌های منبعث از روایات دینی و اسلامی نشان می‌دهد؛ وجه مهمی که مغفول مانده است.

مطالعه این اثر را به همه کسانی که مطالعات جدی «منجی‌گرایانه» را در دستور کار خود قرار داده‌اند، پیشنهاد می‌کنیم.

## فهرست مطالب

- پیشگفتار ..... ۱۱
- مقدمه و روش‌شناسی ..... ۱۳
- فصل اول: نشانه‌شناسی ظهور منجی موعود از دیدگاه شیعی ..... ۲۵
- فصل دوم: درباره‌ی علم هرمنیوتیک، تفسیر و تأویل ..... ۶۱
- فصل سوم: رمزشناسی و معناشناسی متون مربوط به آخرالزمان ..... ۹۹
- فصل چهارم: تاریخ زندگانی و شرح حال نوستر آداموس ..... ۱۴۱
- فصل پنجم: تأثیر ادیان «یهودیت» و «مسیحیت» بر افکار نوستر آداموس. ۱۴۹
- فصل ششم: تأویل و تفسیر هرمنیوتیکی سانتوری‌های نوستر آداموس. ۱۷۵
- فصل هفتم: پیدایش مسیحیت و نقش فلسفه انتظار در آن ..... ۱۸۷
- فصل هشتم: پولس، ایوب و یوحنا: معماران و مُنادیانِ آخرالزمان ..... ۲۱۵
- فصل نهم: پیش‌گویی‌های عمده‌ی نوستر آداموس درباره‌ی آخرالزمان و رویدادهای تاریخی ..... ۲۵۳
- کتابنامه ..... ۳۰۹

## پشگفتار

میدان علم هرمنیوتیک<sup>۱</sup> به طوری که امروزه مطرح است، حداقل شش حوزه‌ی تفکر را در بر می‌گیرد. این کلمه بر علم تأویل دلالت دارد و به ویژه این علم به اصول تفسیر متون تاریخی چون متن کلاسیک پیش‌گویی‌های «نوسترا آداموس» می‌پردازد؛ چرا که هر متن و دست‌نوشته‌ای بسیار تأویل‌پذیر است.

در این کتاب نیز سعی در تأویل متن اصلی نوسترا آداموس در باب ظهور «حضرت مهدی موعود» (عج) و مقایسه‌ی آن با متون اصیل اسلامی داریم و مؤلف به هیچ وجه در این راه خود را بری از خطا و اشتباه نمی‌داند و امیدوار است که دانشمندان، علماء و فلاسفه‌ی اسلامی نیز نظریات خود را در این باره به صراحت عنوان نمایند و نگارنده را از ارائه‌ی پیشنهادها و بیان احیاناً اشکال‌های وارد، محروم نسازند.

در این کتاب علاوه بر نظریه‌ی هرمنیوتیکی که حوزه‌هایی چون: تفسیر کتاب مقدس، روش‌شناسی عام لغوی، علم درک زبان مبانی روش شناختی علوم انسانی و پدیدارشناسی اندیشه را شامل می‌شود، از نظریه‌ی زبان

---

۱. اصطلاح «هرمنیوتیک» را دانش تفسیر معنا می‌کنند. ریشه‌ی آن، فعل یونانی (Hermenouien) به معنای «تفسیر کردن» است. Hermeneia به معنای تفسیر است و غالباً در مورد تفسیر متون مقدس به کار می‌رود. البته بیش از یکی دو قرن نیست که هرمنیوتیک جدید به عنوان شاخه‌ای از علم مطرح شده است. پدر این دانش را «فردریک دانیل ارنست شلایر مآخر» می‌دانند.

شناختی کنتراستیو یا علم تحلیل مقابله‌ای نیز استفاده شده است؛ چرا که در تأویلات به کارگیری و استفاده از این روش بسیار لازم و ضروری است. امیدوارم این کتاب پیش زمینه‌ای برای انجام تحقیقات وسیع‌تر درباره‌ی تقریب ادیان آسمانی و نظریه‌ی آخرالزمان باشد و مورد قبول ذات احدیت و «حضرت مهدی»(ع) واقع شود.

دکتر رسول نیمروزی

۱۳۸۳/۲/۳۰

## مقدمه و روش‌شناسی:

اندیشه‌ی پیروزی قطعی حق و عدالت بر نیروهای باطل، گسترش جهانی ایدئولوژی اسلامی و استقرار کامل همه‌ی ارزش‌های انسانی و تشکیل مدینه‌ی فاضله یا بوتویای اسلامی که در «قرآن کریم» با تعبیری چون غلبه‌ی قطعی صالحان و متقیان، شکست دشمنان و جبّاران برای همیشه و آینده‌ی سعادت‌مندان برای بشریت (به عنوان مثال: در قرآن کریم، سوره‌ی انبیاء آیه ۱۰۵ و سوره‌ی قصص در آیه‌ی ۵ یا اعراف، آیه‌ی ۱۲۸) عنوان می‌شود، همگی نمونه‌های قطعی و محکمی هستند که در آن فلسفه‌ی تاریخ اسلامی به روشنی مشخص شده است و محوریت انتظار فرج در مذهب شیعه نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. انتظار فرج و ظهور «حضرت مهدی» (عج) نیز انتظاری است که مؤمنانی را همیشه و همواره‌ی تاریخ در بیدارباشی دائمی قرار می‌دهد و آنان را وادار به مبارزه با ظلم و جور می‌کند.

از جمله نشانی‌هایی که در مورد ظهور «حضرت مهدی» (عج) در متون اسلامی ذکر شده‌اند این است که حضرت برای اثبات حقانیت خود به مردم دنیا و پیروان سایر ادیان، نسخه‌های تحریف‌نشده و اصلی تورات و انجیل را به آنان نشان خواهد داد، چنانچه «امام باقر» (ع) فرموده‌اند:

حضرت مهدی (ع) تورات و دیگر کتب اصیل آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و میان اهل تورات با توراتشان و میان اهل انجیل با انجیل خود و میان اهل زبور با زبورشان و میان اهل فرقان با قرآن خود داوری می‌کند.<sup>۱</sup>

در این کتاب نگارنده سعی بر آن دارد که تعابیر و ارجاعاتی را که از طریق متفکران غربی و مفسران مسلمان می‌تواند در مورد ساتوری‌های خارق‌العاده‌ی «نوستر آداموس» صورت گیرد، مشخص نماید و این ارجاعات را با توجه به رویدادهای تاریخی تفسیر و تعبیر نماید.

در این بین می‌توان به صراحت عنوان کرد که: بر خلاف تصور بسیاری از متفکران غربی و مسلمان که «نوستر آداموس» را پیش‌گویی شیطانی و ضد‌مذهبی و باطل‌پرست معرفی کرده‌اند. در اندیشه‌ها و نوشته‌های اصیل نوستر آداموس عناصر و تفکرات هرمنیوتیکی خاصی وجود دارد که وی را فردی نیک‌پندار و وارسته نشان می‌دهد که می‌توان از وی به عنوان پلی بین تفکر مسیحی و اسلامی یاد کرد که در هر حال به فلسفه‌ی انتظار فرج شیعیان، یا به تعبیر غربی آپوکالیپس (آخر الزمان) آیین مسیحیت بسیار نزدیک است و در حقیقت خود نشانگر و مرجعی برای مداوم تفکر خالص شیعی در مورد ظهور «حضرت مهدی» (عج) و ادامه دهنده‌ی راه انبیاء و تفکر مذهبی در جهان معاصر است.

در ایسن باره که چرا بایستی از روش تأویل هرمنیوتیکی در تفسیر آرای «نوستر آداموس» استفاده شود مطالب و استدلال‌های بسیار زیادی را می‌توان عنوان کرد، لیکن از همه مهم‌تر این است که امروزه علم هرمنیوتیک در علم کلام پروتستانی و کاتولیکی که اندیشه‌ی غالب «نوستر آداموس»



بوده، به صورت کانون مباحث روز درآمده است.

هر زبان‌شناس و متکلمی سنجش و داوری خود از اثری ادبی و تاریخی را تأویل و تفسیر می‌خواند؛ چرا که تأویل پرشمول‌تر از صرف عالم زبان است. زبان نحوه‌ی دیدن انسان و تفکر او را شکل می‌دهد یعنی هم برداشت او از خودش و هم برداشت او از جهان پیرامونش را. انسان بیشتر از آنکه بتواند تشخیص دهد، از طریق زبان، جنبه‌های مختلف زندگی‌اش دگرگون می‌شود؛ جنبه‌هایی مانند احساسات، عبادت، تفکر، دوست داشتن و تفکر انتزاعی. بدین ترتیب معلوم می‌شود که زبان واسطه‌ای است که ما در آن زندگی و حرکت می‌کنیم و با آن هستی‌مان را معنا می‌بخشیم. از این نظر درست مانند ادیان آسمانی است که هر پیامبری به لسان قومه و زبان خاص قوم خود برای مردم دیارهای مختلف فرستاده شده‌اند.

فهم متون ادبی و تاریخی باید ریشه در حالات اولی‌تر و پرشمول‌تر فهم داشته باشد که باید با خود هستی در جهان یا در جهان بدون ما به تعبیر «هایدگر» انجام شود. علم هرمنیوتیک مطالعه‌ای درباره‌ی همین نوع فهم و برداشت از متون تاریخی و کلیدی است و این را نمی‌توان نوعی تفسیر به رأی به شمار آورد و مثلاً چنین عنوان کرد که پیش‌گویی‌های نوسترا آداموس چه ربطی به دین مبین اسلام و تفاسیر خاص مذهب شیعه در باب «امام زمان» (عج) دارد، زیرا فهم بشری و دست‌آورد بشری از لحاظ فکری صرفاً محدود به زمان و مکان نیست و ممکن است یک پیش‌گو حتی قبل از وقوع اتفاقی بر بسیاری از اتفاقات و پدیده‌ها اشراف داشته باشد، همان طوری که قبل از تولد پیامبر گرامی (ص)، دین اسلام به وجود نیامده بود و وقوع و قدرت گرفتن چنین دینی نیز بسیار غیرمحمتمل محسوب می‌شد.

از آنجا که کوشش پیوسته‌ی تأویل متن از فهم و ادراک عادی از متن بسیار فراتر می‌رود، علم هرمنیوتیک بر آن است که پس‌زمینه‌ها و ارجاعات هستی‌شناسانه و واقعی متن را نیز درک کند و آن را عیان و هویدا نماید. اصلاً ریشه‌ی واژه‌ی Hermeneutics نیز که Hermenia است، همین واژه‌ی پیش‌گویی است؛ چرا که «هرمس» در اساطیر یونانی به معنای «خدای پیام‌آور گریزپا» است. Hermeios یا «هرمایوس» اشاره به کاهنی بود که پیش‌گوی معبد دلفی به شمار می‌آمد و به همین جهت یونانیان کشف زبان و خط را به این خدایگان یعنی هرمس نسبت می‌دادند و این امر بسیار پر معنی است که یکی از بزرگ‌ترین پیش‌گوهای تاریخ یعنی «نوستر آداموس» نیز همیشه به هرمایوس یا خدایگان و کاهن یونانی معبد دلف اشاره می‌کرد.

«مارتین هایدگر»، فیلسوفی است که خود فلسفه را نیز «تأویل» به شمار می‌آورد و از علم هرمنیوتیک به عنوان فلسفه‌ی «حقیقی» یاد می‌نماید و همه‌ی مباحث انتولوژی و اپیستمولوژی یا وجودشناسی و شناخت‌شناسی بشری را به «هرمس» مرتبط می‌داند. نخستین وجه اصلی معنای هرمنیومین که فعلی واژه‌ی هرمس محسوب می‌شود، همانا بیان کردن و آشکار کردن است.

«افلاطون»، در نامه‌ی هفتم و همچنین در کتاب «فایدروس» بر ضعف و ناتوانی زبان مکتوب تأکید می‌کند و آن را در صورتی قابل فهم به شمار می‌آورد که به درستی تأویل و تفسیر شود.

وجه دوم معنای «هرمنیومین»، توضیح دادن و تفسیر کردن است که از اهم مطالب در مورد فهم متون تاریخی و مهم است. خبرهای غیبی پیش‌گوی دلفی متنی از قبل موجود را تأویل نمی‌کرد، بلکه آنها تأویلات

موقعیتی بودند که این اخبار خود نیز محتاج به تأویل آنها بودند، بدین ترتیب پیش‌گویان به یک معنا صرفاً یا می‌گفتند یا اعلام می‌کردند یا مانند «نوستر آداموس» طی روزها و شب‌های متوالی الهامات خود را به رشته‌ی تحریر درمی‌آوردند. در رساله‌ی «باری ارمیناس» یا Peri Hermeneias که در زبان عربی آن را «فی العبارة» ترجمه می‌کنند، ارسطو، معنای تأویل را چنین بیان می‌کند که: تأویل همان تعبیر لفظی است.

«ارسطو» از هرمنیا برای اشاره به عمل ذهن در ساختن گزاره‌هایی که باید با صدق یا کذب مرتبط باشد، استفاده می‌کند. از نظر ارسطو دعا، نیایش، امر و پرسش یا ادای جمله‌ای تنفرآمیز، گزاره نیست، بلکه برگرفته از گزاره است و صورت ثانویه‌ی جمله به حساب می‌آید که برای موقعیتی خاص به کار می‌رود که عقلی ابتدا به صورت جمله درک کرده است، یعنی آنکه قوه‌ی عقلیه‌ی انسان معمولاً معنای را به صورت جمله و در ترکیب کلمات با یکدیگر درک می‌کند و نه آنکه معنای مفرد کلمات را به طور جداگانه در نظر بگیرد. بنابراین برای تبیین یک معنای واحد و درک معنای ساختاری، بایستی جملات را مدّ نظر قرار دهیم و نه مجموعه‌ی کلمات را. علاوه بر این در مبحث هرمنیوتیک مدرن، مباحث مهمی چون نشانه‌شناسی یا سمیولوژی (Semiology) نیز بسیار حائز اهمیت هستند و در تعبیر و تفسیر متون ادبی، دینی و تاریخی بسیار به کار می‌آیند. مثلاً در کتاب عهد جدید در قسمت مکاشفه‌ی یوحنا‌ی رسول (لاهوئی) چنین عنوان شده است که:

... و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شود، زنی که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پاهایش قرار دارد و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و آبستن بوده و از درد زه و عذاب زاییدن فریاد

برمی آورد و علامتی (نشانه‌ای) دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ازدهای آتشگون که او هفت سر و ده شاخ دارد و بر سرهایش هفت افسر است و دَمَش، ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت...<sup>۱</sup>

از لحاظ نشانه‌شناسی می‌توان این تفسیر و تأویل را از موضوع ارائه داد:

«مراد از این زن حضرت فاطمه‌ی زهرا(ع) است و مراد از خورشید، حضرت محمد(ص) بوده، مراد از ماه نیز حضرت مسیح(ع) است و منظور از تاج که دارای ۱۲ ستاره است، همانا اشاره به دوازده امام معصوم(ع) دارد، همچنان که در خواب حضرت یوسف(ع) در قرآن مجید نیز بدین موضوع اشاره‌های متعددی شده است و چنان که می‌دانیم حضرت یوسف(ع) خود از بزرگ‌ترین پیش‌گوها بوده است. قرآن مجید درباره‌ی پیش‌گویی‌ها و از جمله پیش‌گویی آن حضرت اشارات فراوانی دارد و از جمله این مطلب در سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۴ ذکر شده است. ازدهای بزرگ که در متن آمده در متون قدیمی آیین زرتشت «ازدی‌هاک» نام داشت و در عربی به آن «الضحاك» گفته می‌شد و بعداً این واژه به «الدجال» تغییر نام یافت و الدجال یا دجال همان Christ-Anti یا «ضدمسیح» است که در پیش‌گویی‌های معروف «نوستر آداموس» بارها بدان اشاره شده و مراد وی از دجال اول، «ناپلئون بناپارت» و از دجال دوم، «هیتلر» است. «نوستر آداموس» به صراحت در سانتوری ۲، شماره‌ی ۲۴، هیتلر را هیستر خطاب و از وی به عنوان طاعنی و خون‌خواری یاد می‌کند که به هیچ قانونی پایبند نیست.

۱. عهد جدید، باب ۱۲، ص ۴۰۸.

حیواناتی که از گرسنگی دیوانه شده‌اند،  
 از رود گذر خواهند کرد.  
 بخش بزرگ‌تر میدان جنگ  
 در برابر «هیستر» (Hister Hitler) قرار خواهد گرفت،  
 آن مرد،  
 به هنگامی که هیستر  
 هیچ آیینی را نمی‌پذیرد،  
 رهبری را در قفس آهنین جای خواهد داد.<sup>۱</sup>

تأویل و تفسیر: این یکی از معروف‌ترین پیش‌گویی‌های «نوسترا داموس» درباره‌ی «هیتلر» است که در آن از هیتلر با نام هیستر (که از لحاظ ریشه‌شناسی لغت به معنای جنون و دیوانگی محض است) یاد کرده و در این تعبیر و تفسیر هیچ گونه شکی باقی نیست؛ چرا که هیتلر همه‌ی تعهدها و آیین‌ها و قوانین را برای رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه‌ی خود زیر پا گذاشت. از لحاظ تاریخی نیز این پیش‌گویی کاملاً به حقیقت پیوسته است چرا که در ابتدای جنگ جهانی دوم آلمانی‌ها از طریق رودخانه‌های مرزی متعدد حملات وحشیانه‌ی خود را به دیگر کشورهای همسایه‌ی اروپایی آغاز کردند.

از طرف دیگر هرمنیوتیک، یک بُعد تاریخی نیز به قضیه اضافه می‌کند که در تفسیر قیام «حضرت مهدی» (عج) نیز مبرهن است، چرا که در این باره استاد شهید، «مرتضی مطهری» در کتاب «قیام و انقلاب مهدی» چنین عنوان می‌نمایند که:

آرمان قیام و انقلاب مهدی (عج) یک فلسفه‌ی بزرگ اجتماعی

اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش ایده و راهگشای به سوی آینده است، آینه‌ی بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی و جزئی از جهان‌بینی اسلامی است، برخی نیز فرهنگی و تربیتی هستند، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی یا انسانی طبیعی است.<sup>۱</sup>

«علاّمه مجلسی» (ره) از «شیخ طوسی» (ره) نقل می‌کند که: حضرت صاحب‌الامر (عج) را از باب تقیه «غریم» می‌گفته‌اند و این اصطلاح به عنوان رمز از قدیم در میان شیعه معروف بوده است.

آنگاه خود مجلسی گوید:

کلمه‌ی «غریم» هم به معنای بستانکار و هم به معنای بدهکار است یعنی به هر دو اطلاق می‌شود، اگر معنی اول مراد باشد، از این جهت است که اموال «حضرت مهدی» (عج) و سهم امام دست مردم است و آن حضرت بستانکار است و معنی دوم از این نظر است که آن حضرت مدیون تعلیم و تربیت مردم است و از لحاظ غایب و پنهانی بودنش گویا به مردم بدهی دارد.<sup>۲</sup>

این موضوع مشخص می‌کند که در تفسیر متون قدیمی و احادیث نیز احتیاج به فقه‌اللغة و ریشه‌شناسی (ایمولوژی) وجود دارد و این علم نیز جدای از علم تأویلات یا هرمنیوتیک نبوده بلکه بخشی از آن محسوب

۱. کتاب قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفی تاریخ، شهید مرتضی مطهری، ص ۵۷.

۲. اصول کافی، ج ۲، کتاب الحجّة، ص ۴۶۲، در قسمت شهر.

می‌شود. در مسئله‌ی احادیث و روایاتی که درباره‌ی امامان نقل می‌شود نیز نوعی تأویل شفاهی یا هرمنیوتیک روایتی مورد لزوم است چرا که تأویل شفاهی به منتقد و مفسر کمک می‌کند که مقصود باطنی متون و نقل قول‌ها را بهتر درک نماید. در آیین مسیحیت نیز همچنان که «نوسترا آداموس» شدیداً به آن تکیه داشته و وامدار آن بوده است، مسئله‌ی قدرت کلام شفاهی مطرح می‌شود؛ چرا که هم پولس رسول و هم لوتر به خاطر این مشهور هستند که گفته‌اند: رستگاری از راه شنیدن و گوش‌ها حاصل می‌شود.

رساله‌های «پولس» رسول که «نوسترا آداموس» در سانتوری‌های خود به کزات بدان اشاره می‌کند برای این نوشته شده بودند که با صدای بلند خوانده شوند و نه به طور ضامت و بی صدا.

از دیدگاه «بولتمان» نیز که مفسری هرمنیوتیکی در آیین مسیحیت محسوب می‌شود، وظیفه‌ی علم کلام توضیح کلمه‌ی خدا در زبان و متون و زمینه‌ی هر عصر است. علم کلام از دیدگاه بولتمان بیشتر رشته‌ای تاریخی محسوب می‌شود تا علمی. در کتاب «عهد جدید»، «انجیل لوقا» باب ۲۴، آیات ۲۵ تا ۲۷، از کلمه «هرمینوین» استفاده‌ی جالب توجهی می‌شود.

عیسی که از گور برخاسته است میان مردم می‌آید: رو به ایشان می‌گوید: ای ناهم‌ها و سست دلان از ایمان آوردن به آنچه انبیاء گفته‌اند آیا نمی‌بایست که مسیح این زحمات را ببیند تا به جلال و جبروت خود برسد؟» پس از موسی و سایر انبیاء شروع کرده، اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح می‌فرمایند.

اما این موضوع از لحاظ هرمنیوتیک چه چیزی را القاء می‌کند؟ این

نکته را که معنا امری وابسته به متن است و برای برداشت و تفسیر هر متنی بایستی بدان تکیه کرد و معناداری و بی معنایی هر متنی از لحاظ هرمنیوتیکی از طریق خود متن مشخص می‌شود و از این نظر به آن دور هرمنیوتیکی اطلاق می‌کنند یعنی دوری که بدون آن امکان درک، فهم و تأویل متون تاریخی وجود ندارد.

بنابراین پیچیدگی عمل تأویل و نحوه‌ی استوار شدن آن به قوه‌ی فاهمه و فهم با بررسی دو وجه نخست تأویل یعنی گفتن و تبیین آشکار می‌شود.

از نظرگاهی دیگر هرمنیوتیک به معنای ترجمه‌ی متون نیز می‌باشد. ترجمه‌ی صورت خاصی از عمل اساسی تأویل برای به فهم درآوردن است. ترجمه کتب مقدس در این مورد مثال بسیار خوبی است. علم هرمنیوتیک تحولی بنیادین در ترجمه و نظریه‌ی ترجمه ایجاد می‌کند و آن را متحول می‌سازد، بنابراین میدان و حوزه‌ی علم هرمنیوتیک (Hermeneutics) دارای وجوه سه گانه‌ای است که عبارتند از: گفتن و توضیح دادن و ترجمه کردن. دو فیلسوف و متکلم بزرگ آلمانی یعنی «ویلهلم دیلتای» و «شلایرماخر» نیز در بسط و تفسیر علم هرمنیوتیک سهم زیادی داشته‌اند. به عقیده‌ی دیلتای، تأویل بیان و جلوه‌ی بزرگی از زندگی بشر، چه قانون و چه اثر ادبی است که فهم کتاب مقدس نیز بخشی از این روند محسوب می‌شود. «مارتین هایدگر» نیز با تعمیق علم هرمنیوتیک از آن به عنوان علم وجود شناسانه یا اتولوژیک نام می‌برد. در ادامه‌ی این روند، فیلسوف دیگر آلمانی یعنی «هانس گئورگ گادامر» نیز با تحول بخشیدن به علم هرمنیوتیک از این حد هم فراتر می‌رود و عنوان می‌کند که:

هستی و وجودی که ادراک می‌کنیم، بر اساس زبان قرار دارد.



علم هرمنیوتیک در مرحله‌ی «زبانی» همچنان به جلو پیش می‌رود. از طرف دیگر فیلسوف فرانسوی «پل ریکور» در کتاب «در باب تأویل»، هرمنیوتیک را این گونه تعریف می‌کند:

مراد ما از علم هرمنیوتیک نظریه‌ی قواعد حاکم بر تفسیر، یا به عبارت دیگر، تأویل متنی خاص یا مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که به منزله‌ی متن ملاحظه و ادراک می‌شوند.<sup>۱</sup>

(... L'interprétation d'un texte) singulier ou d'un ensemble désigné susceptible d'être considéré comme un texte...

در ادامه‌ی این روند این «بولتمان» است که به عنوان متکلم بزرگ پروتستان از هرمنیوتیک در تفسیر و تأویل متون مذهبی و تاریخی استفاده می‌نماید و در کتاب بسیار مشهور خود در زمینه‌ی عهد جدید، تحت عنوان «عیسی مسیح و علم اساطیر» زمینه‌های تأویل‌پذیر عهد جدید را به خوبی آشکار و مشخص می‌نماید.

بنابراین در کتاب حاضر با استفاده از علم هرمنیوتیک، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی و علم تحلیل مقابله‌ای (Contrastive Analysis) به بررسی سانتوری‌های «نوستر آداموس» خواهیم پرداخت و به قول «پل ریکور» تفسیری اسطوره‌زدایی شده و در عین حال بسیار تأویل‌پذیر از متون ارائه شده توسط وی مطرح خواهیم نمود و آن را با دیدگاه‌های خاص مذهب شیعه در باب ظهور «حضرت مهدی» (عج) و فلسفه‌ی انتظار فرج تطبیق خواهیم داد و با استفاده از روش تحلیل مقابله‌ای در زبان‌شناسی، فهم و ادراک و تفسیر خاص خود را از این سانتوری‌ها مطرح خواهیم نمود. لیکن همواره بایستی این نکته را در نظر داشته باشیم که حوزه‌ی علم

هرمنیوتیکی حوزه‌ای شدیداً وابسته به زمان و تحولات تاریخی است و از این نظر بدون تفاسیر خاص تاریخی، این برداشت‌ها و تأویلات و تفسیرها غیر قابل درک و موهوم تصور خواهند شد.

به هر حال نگارنده خود را بری از خطا در درک و فهم متون تاریخی نمی‌داند، لیکن این تلاش را گامی به شمار می‌آورد که به تفسیر و تأویل هرمنیوتیکی سایر متون، از جمله متون دینی و غنی اسلامی پرداخته شود؛ چرا که علم هرمنیوتیک رشته‌ای جامع و فراگیر است که توجه آن به طور عمده معطوف به واقعی «فهم متن» در همه‌ی ابعاد و فروع آن است. شاید از این نظر این پژوهش مبنایی شود برای برداشت جامع‌تر و کامل‌تر از این رشته و توسعه‌ی تأویل شفاهی و ادراکی از متون کلاسیک و غنی اسلامی.